

دکتر علی قائمی

احیای خانواده

بلاز گشت به نظام عقیدتی آن

۵- خانواده چه باید بشود؟

مباحث ما درباره خانواده شامل پاسخ به سه سؤال بوده است:

۱- خانواده چه بود؟ (پاسخ این سؤال در دو مقاله عرضه شد.)

۲- خانواده چه شد؟ (پاسخ این سؤال نیز در دو مقاله ارائه

گردید.)

۳- خانواده چه باید بشود؟ (پاسخ این سؤال در سه مقاله عرضه

خواهد شد.)

مقدمه

پاسخ به سؤال سوم را در سه مقاله با رعایت اختصار عرضه

می‌داریم. در این مقاله به مبحث اسلام، زن و خانواده پرداخته شده است.

چرا نخست از اسلام سخن می‌گوییم؟ از آن بابت که بشر امروز

در فاصله دو سه قرن اخیر انواع مکاتب و نظریات را در زمینه زندگی

و خطوط مطروحه در آن را مورد اجرا و عمل قرار داده و به آرامش

و سکونی که مورد نیاز فطرت و طبیعت او بوده، دست نیافته است.

از این‌رو در جست‌وجوی راه نجات برای رهایی از مخمصه‌هایی

است که برای او آفریده‌اند. انسان امروز از همه نظریات و فکرها

سرخورده شده، باردیگر در این اندیشه است که به راه دین و مذهب

روی آورد و گمشده خود را در آن بجوید و شما جلوه آن را در ظهور

معنویت‌جویی جدید غرب می‌بینید.

از بین ادیان و مذاهب موجود، اسلام نیز با افتخار و سربلندی

قد برافراشته، مدعی است که برای درد امروز بشر راه درمان را

فراهم دارد، و تجربه عینی اسلام هم حکایت از آن دارد که در این

ادعا موفق بونه است.

نگاهی به سوابق امر

نگاهی هر چند گذرا به سابقه دین حنیف اسلام نشان می‌دهد

که این دین در دعوی خود صادق و در حل و رفع معضلات جامعه

خود، در گذشته و حال، موفق بوده است. این دین در گذشته قومی

را به راه آورد که در منتهای جاهلیت بود و مردمی را به سوی

انسانیت و اخلاق سوق داد که از نظر عقلا امیدی به نجات و فلاح

آنان نبود.

آن دین و آیین که دارای بعد جهانی و جاودانگی است و دست

تحریف به آن نخورده است، امروز هم زنده و در عرصه وجود حاضر

است، حدود ۱/۵ میلیارد نفر از بشریت را زیر چتر خود قرار داده و

در همه جا و در همه شرایط قابل اجرا و عمل است، مگر در جایی

که دولت‌ها و اربابان قدرت خواستار اجرای آن نباشند. کلام آن

مکتب در قرآن و تفسیر و تشریح آن در سنت است و به فرموده

رسول خدا (ص)، این دو هرگز از هم جدایی ندارند و وابستگان و

پیروان این دو را هرگز گمراهی نخواهد بود.

بیدارسازی‌ها

امروزه اگر مصلحان جهان بخواهند راه اصلاح جامعه، نجات زن

از اسارت و رهایی خانواده را از شرایط مبتذل امروز بیابند، چاره‌ای

جز این ندارند که به اسلام (قرآن و سنت) روی آورند و نسل موجود

را بدان آشنا سازند. هم‌چنین باید شبهات وارده بر اذهان را از طریق

تبیین اسلام از ذهن‌ها بشویند و حقایق راستین اسلام را بدون

اغراق و فریب به خلق خدا بگویند. در این راه و در وصول به این

مقصد، ما را نیاز به طی طریق در عرصه‌های زیر است :

الف) عرصه آگاهی :

- ستر و پوشش زن نوعی تفاوت‌گذاری بین او و حیوانیت است.
 - اسلام زینت زن را تحریم نکرده، بلکه آن را در نظام خانواده قرار داده است.
 - در اسلام زن و مرد در کنار یکدیگر و در اجرو مغفرت همانندند. ان المسلمین والمسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات... اعدالله لهم مغفرة و اجرا عظیما (سوره احزاب، آیه ۳۵).
 - اسلام کسب علم را بر زن و مرد فریضه دانسته است. طلب العلم فریضه علی کل مسلم (نهج الفصاحه).
 - اسلام دوست ندارد زن در خدمت مرد و برده او باشد.
 - این دعوی مسیحیت که حوا مایه فریب شیطان شد، سخنی نارواست و قرآن سخن از لغزش هر دو دارد. فازلهم الشیطان (سوره بقره، آیه ۳۶). فوسوس لهم الشیطان (سوره اعراف، آیه ۲۰).
 - اسلام با اندیشه جاهلیت و حسب و نسب و جایگاه قومی در ازدواج مبارزه می‌کند. همگان از یک ریشه و یک اصل‌اند. انا خلقناکم من ذکر و انثی (سوره حجرات، آیه ۱۳).
 - اسلام در امر جرائم نیز مساوات را برای زن و مرد قائل است. من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکاآما قتل الناس جمیعاً (سوره مائده، آیه ۳۲).
 - و بالاخره شأن خدا بالاتر از این است که بین زن و مرد فرقی قائل شود و اگر بحث از تفاوت دارد، در جنبه‌های فطری و عاطفی است.
- ب) ایجاد ایمان :
- آن‌چه ذکر شد، شاید مورد تأیید بسیاری از افراد، به ویژه مسلمانان باشد، ولی در عین حال ممکن است همان خط و راه منحرفان غرب را طی کنند. علت این است که آنان نسبت به این مباحث ایمان ندارند. غرض ما از ایمان، باوری است که با گوشت و خون ما آمیخته شده، مورد تأیید قلبی و یقینی ماست، مثل ایمان به سوزاندگی آتش، خطرناکی درندگان و ایمان به خاموش شدن آتش با ریزش آب بر سر آن. این مهم است که در افراد نسبت به آن‌چه مورد اعتقاد است، یقین ایجاد کنیم و این امر از راه تجارب، مشاهدات، القانات و تلقینات، ارائه مدل‌ها و نمونه‌ها از حاصل عملکردها امکان‌پذیر است.
- اگر زنان زمان پیامبر را می‌دیدید که در برابر آن همه آلودگی‌ها و نابه‌سامانی‌ها ایستاده و رنگ جامعه آن روز را نگرفتند، بدان خاطر بود که به توصیه‌های دینی باور داشته و در این باور به مرحله یقین رسیده بودند. در این یقین کارشان به جایی رسیده بود که از
- ما شک نداریم که بسیاری از منحرفان و کسانی که در خط خطا و لغزش‌اند، یا با اسلام از در معارضه وارد شده و حریم خانواده را شکسته‌اند، نسبت به خود، خدای خود و ضوابط و مقررات زندگی انسانی جاهل‌اند. این مهم است که با دادن آگاهی‌های لازم، آنان را نسبت به خود و سرنوشت خود آگاه کرد. باید به آن‌ها فهماند که :
 - اسلام دین خداست، همان خدایی که کل خلق و کل مدیریت در اختیار اوست (سوره اعراف، آیه ۵۴).
 - او در تدبیر آفرینش زیرک است، ولی حسود نیست (اینشتاین) و در خلق و امر به دنبال سود خود نیست، بلکه در کار نفع‌رسانی است (مولوی).
 - او بزرگ‌تر از همه بزرگان (الله اکبر) و مؤثر در وجود است و جز او هیچ مؤثری در آن نیست (لا اله الا الله - لا مؤثر فی الوجود الا الله).
 - هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر از بنای خانواده نیست (ما بنی فی الاسلام بناء احب لی من التزویج).
 - لذات در سایه کانون خانواده امری مجاز و حتی مستحسن و دارای اجر و پاداش است.
 - زن و مرد، دو رکن خانواده‌اند و برای هر یک حقی و نصیبی در آن چیزی است که شخصاً به دست آورده است.
 - زن و مرد در پرتو عبادت می‌توانند در خط عبودیت و قرب خدا باشند و خداوند اجر هیچ کدام از زن و مرد را ضایع نمی‌کند (سوره آل عمران، آیه ۱۹۵).
 - هر دوی زن و مرد از نفس واحده‌اند و خدای زن را از جنس مرد آفرید تا عامل سکون باشد.
 - معنی حجاب برای زن، حبس شدن در یک اتاق و دوری از مزایا و منافع حیات اجتماعی نیست. او هم می‌تواند عضوی از جامعه انسانی و دارای وظیفه‌ای باشد (البته به تناسب سه تفاوت اساسی بین زن و مرد، شامل تفاوت‌های زیستی، عاطفی و شغلی).
 - بی‌حجابی، نوعی اهانت به زن و نوعی اعلام حراج عفت زن است.
 - در سایه حجاب، زن را در شرایطی قرار داده است که وقار و حرمت او حفظ شود و هر کس به سوی او چشم‌چرانی نداشته باشد.
 - زن در مصرف اموال خود صاحب اختیار است و حتی شوهر او حق ندارد از او درخواست و کالت کار او را کند.
 - زن و مرد در حقوق مساوی‌اند، نه مشابه، زیرا تفاوت‌های اساسی در بین این دو وجود دارد. و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف (سوره بقره، آیه ۲۲۸).



جان و مال خود گذشته، به مبارزه و دفاع از حق و قیام علیه همه نابه‌سامانی‌ها پرداختند. مثل خدیجه بنت خویلد، زوجه شایسته پیامبر، فاطمة الزهرا، دخت گرامی ایشان، ام سلمه، همسر یک شهید اسلام، ام سلیم و مبارزات او در جنگ حنین، ام عمار، آن زن مجاهد، نسیم بنت کعب در جنگ احد، زرقاء بنت عدی، در جنگ صفین، زینب، دختر علی (ع)، سوده، آن پیرزن شجاع که با تهییج سربازان در جنگ صفین، جان معاویه را به خطر انداخت و... باید سرگذشت این زنان و شوهرانشان را مطالعه کرد و دید چرا سمیه مادر عمار و یاسر پدر او به شهادت رسیدند و موضع آنان در برابر تعالیم اسلام چه بود؟ چرا چنان بود؟ آنان چه دیدند که تا آن حد دست از روش جاهلیت برداشتند و به اسلام روی آوردند؟

ج) آگاهی از تدابیر اجرایی:

اسلام برای خانواده و زن که رکنی از خانه است، تدابیر اجرایی ویژه‌ای معین کرده است و آن کس که باورش شود این تدابیر از جانب خدایی خیرآفرین و مصلحت‌اندیش است، از قبول و اجرای آن طفره نخواهد رفت، و بر عکس سعی خواهد داشت که در آن مسیر گام بردارد. اسلام برای حفظ وجود و امنیت خانواده می‌گوید:

- زنان در ملاء عام زینت خود را ظاهر نسازند. ولا یبدین زینتهن (سوره نور، آیه ۳۱)، مگر برای همسر و محارم.
- زیر گلسو و سینه را عریان نسازند. ولیضربن بخمرهن (همان).
- چشم از نگاه ناروا بیوشند، چه زن (همان) و چه مرد (سوره نور، آیه ۳۰).
- روابط زن و مرد را منع نکرده است، جز در مواردی که شرف و عفت زن زیر سؤال باشد.
- با حرکت خود صدای خلخال پا را در نیاورند که عامل جلب نظر و بیداری‌ها شود. و لا یضربن بارجهن لیعلم ما یخفین من زینتهن (سوره نور، آیه ۳۱). تبرج و زینت جاهلیت برای زن مطرح نباشد. و لا تبرجن الجاهلیه الاولی (سوره احزاب، آیه ۳۳).
- شبیه این قواعد و قوانین که مترقی و هشدار دهنده است، بسیار است و همه این قواعد برای این است که سطح معنوی زن و ارتقای او را مدنظر داشته باشیم.

در سامان دهی خانواده

در امر سامان دهی خانواده و رهایی زن از اسارت‌ها به چند نکته باید توجه کرد:

- ۱- پیش از هر اقدامی باید جهل و نادانی را از میان برد و پرده غفلت را درید که آن بلایی بس عظیم و موجد تصادم‌هاست.
- ۲- باید به زنان تفهیم کرد که حجاب‌داری سبب وقار و حرمت

- و عامل امنیت است و وجود زن را از خطر صیانت می‌کند.
- ۳- در گوش‌ها وارد کرده‌اند که حجاب‌داری مانع کار و تلاش اقتصادی است و شما می‌دانید که این سخن گزافی بیش نیست. کار زنان را در جامعه اسلامی ایران بنگرید که در عین حجاب‌داری به کار و فعالیت مشغول‌اند.
- ۴- با الگوسازی فاسد مدنیت غرب باید مبارزه کرد که آن خود عامل فسادآفرینی است. چرا مردان و زنان ما از الگوهای اسلامی تبعیت نکنند؟
- ۵- زن را در تمرینات دفاعی، چه در عرصه فکر و چه در عرصه عمل، باید شرکت داد تا بتواند از جسم و اعتقاد خود دفاع کند.
- ۶- معرفی درست اسلام به همان گونه که هست، از واجبات است و نباید از آن غافل شویم.
- ۷- باید به زنان تفهیم کرد که تساوی حقوق غیر از تشابه حقوق است و باید بین این دو فرق گذارد.
- ۸- به مردم باید تفهیم کرد آن کس که گمان کند می‌تواند قواعدی بهتر از اسلام برای بشر بیابد، دچار خطایی بزرگ است.
- ۹- باردیگر این جمله اینشتاین را به خاطر بسپاریم که خدای زیرک است، ولی حسود نیست. اگر فرمانی برای بشر صادر کرده است، به مقصد سعادت او بوده، نه برای سودخواهی خود.
- ۱۰- زنان باید بدانند که بحث آزادی‌شان از زبان غرب، صرفاً توطئه‌ای برای استثمار آن‌هاست، نه برای شخصیت دادن به آن‌ها. لازم است در مورد این موضوع درست بیندیشند.